

بررسی مفهومی و مصداقی حفره‌های دولت^۱

دکتر زهرا پیشگاهی‌فرد دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
دکتر ناصر رضائی دکترای جغرافیای سیاسی

چکیده

حفره‌های دولت به عنوان پدیده‌هایی که بصورت سازمان‌یافته و در سطحی گسترده موجودیت و حاکمیت دولت‌ها را در فضای جغرافیایی به چالش می‌کشند معرفی شده‌اند. به همین دلیل شناسایی حفره‌های دولت به عنوان عوامل به چالش کشاننده حاکمیت و امنیت دولت‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. در این مقاله ضمن معرفی اجمالی مفاهیم نزدیک به مفهوم حفره‌های دولت مانند قلمرو موثر ملی، منطقه کارآمد کشور، منطقه هسته، و بحران نفوذ به تعریف حفره‌های دولت و معرفی انواع آن پرداخته شده که در چهار دسته انواع حفره‌ها از نظر ماهیت و جنس، قلمرو جغرافیایی (مکانی)، قلمرو زمانی و عملکردی معرفی و تعریف شده‌اند. هر کدام از حفره‌ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی شکل گرفته و برای تداوم حاکمیت و استقرار امنیت مضرمی‌باشند در نتیجه شناسایی آنها می‌تواند ضمن بقای حیات سیاسی دولت‌ها گردد. روش پژوهش در این تحقیق بنیادی، توصیفی و شیوه اجرا به صورت فردی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده است.

کلید واژه‌ها: حفره دولت، حاکمیت، امنیت

مقدمه

تلاش انسان چه به صورت فردی و یا جمعی برای اعمال نظارت بر بخشی از فضا (سرزمین) قلمروسازی گفته می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۶)، دولت‌ها که

^۱ Holes in the state

نهادهایی انسانی هستند درصدد برطرف کردن چالش‌ها و تنش‌های خواسته یا ناخواسته در ابعاد مختلف و حفظ امنیت و تداوم حاکمیت خود در قلمروهای مختص به خویش می‌باشند، آنها سعی در تحمیل نوعی از همسانی و نظارت یکسان بر قلمرو خویش دارند، واضح است که میزان موفقیت دولت‌ها از موردی به مورد دیگر و از زمانی به زمان دیگر (Johnston, 1994) و نیز از مکانی به مکان دیگر متفاوت خواهد بود.

حاکمیت چهره قانونی اعمال اراده حکومت بر سرزمین (قلمرو) و مردمان (ملت) است (James 1984:2). حاکمیت دولت‌ها در دو بعد قابل مشاهده است: الف- اجرای قانون ب- تصمیم‌گیرنده نهایی بودن در نحوه اجرای قانون و نیز نفوذناپذیری دولت یعنی تنها مرجع عالی اقدام اجرایی (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۴۹۸) بدین معنا که حکومت‌ها خواستار به انحصار درآوردن قدرت مشروع در قلمروهای مختص خویش هستند و تمامی اعمالی که توسط حکومت‌ها انجام می‌گیرد به خاطر ادعاهای انحصارطلبانه یا تداوم آن است (Walker, 1990:6) به علاوه آنها در این راستا سعی در انسجام گروه‌های مختلف در درون قلمرو خویش دارند (Driver, 1991:273) مکانیزم اداره سرزمین از سوی حکومت براساس اراده ملت، پیونددهنده عناصر «سرزمین»، «ملت» و «حکومت» به عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر یک موجودیت جغرافیایی سیاسی هستند که تعیین‌کننده مفهوم کشور می‌باشند (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۳۱).

در حوزه‌های مختلف اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شاهد تغییر و تحولات زیادی بوده و در آینده نیز خواهیم بود. این تحولات سبب پیچیدگی‌هایی در زندگی بشر گردیده و اداره جوامع و سرزمین‌ها را به دلیل گسترش تبهکاری‌ها با مشکلاتی مواجه کرده است، هنلی معتقد است هرچند در حال حاضر میزان

تبهکاری در سطح جهان ممکن است بی‌سابقه نباشد، لیکن حوزه تبهکاری‌ها، جدی، سازمان‌یافته، وسیع‌تر و بسیار خطرناک‌تر از گذشته است (Henley, 1995). تهدیدات و چالش‌ها متوجه ثبات سازمانی دولت هستند، هدف ممکن است فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی آن، جدایی‌طلبی و برهم‌زدن بافت سیاسی دولت- چون اصولاً دولت موجودیتی سیاسی است- را شامل گردد (Buzan, 1983: 141). مشکل اصلی تهدیدات و حفره‌های اجتماعی- فرهنگی از لحاظ امنیت ملی این است که اغلب آنها در داخل کشور واقعند و بی‌شک یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی، حوزه اقتصادی است (قبلی ۳-۱۴۲). به علاوه حفره‌های سیاسی می‌توانند هزینه‌های سنگینی را بر دوش دولت‌ها تحمیل کنند.

شناسایی منابع تهدید مهم‌ترین گام برای مقابله یا کاهش اثرات آنها می‌باشد. در این مقاله سعی شده با معرفی انواع حفره‌ها قدمی در راه شناسایی عواملی که می‌توانند حاکمیت دولت‌ها را به چالش بکشند برداشته شود.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش از نظر کیفی از نوع بنیادی است چرا که درصدد افزایش بضاعت علمی موضوع مورد مطالعه برای توسعه دانش بشری است. از نظر محتوی و روش پژوهش، توصیفی است و هدف از آن توصیف و طبقه‌بندی حفره‌های دولت و شناسایی انواع آنها است. شیوه اجرا به صورت فردی و نوع جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی بوده است.

اهمیت موضوع

دولت‌ها مشروعیت خود را در حاکمیت بی‌چون و چرا بر قلمرو خویش دارند و درصدد پیوند بین عناصر سرزمین، حکومت و ملت به عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر یک موجودیت جغرافیای سیاسی تحت لوای امنیت همه‌جانبه هستند؛ در این راستا عامل یا عواملی وجود دارند که می‌توانند مخل این فرایند محسوب شوند؛ شناسایی این عوامل از اهمیت بسیارزیدی برخوردار است. یکی از این عوامل وجود حفره‌های دولت است؛ به همین دلیل تعریف حفره‌های دولت و شناسایی آنها و معرفی انواع حفره‌ها از مناظر مختلف که امنیت دولت‌ها را مخدوش و حاکمیت آنها را در قلمرو سرزمینی خویش به چالش می‌کشند و در پیوند بین اجزای جغرافیای سیاسی اختلال ایجاد می‌کنند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که تداوم حیات هر دولت و حفظ یکپارچگی آن و ارائه راهکارهای کنترل یا مقابله مناسب بستگی به شناسایی این عوامل دارد. بنابراین دولت برای استمرار حاکمیت بی‌چون و چرای خویش بر قلمرو خود نیازمند شناسایی همه‌جانبه و احاطه کامل به تمام مسائل پیچیده سرزمینی و انسانی قلمرو خود است. شناسایی و معرفی حفره‌های دولت ضامن بقای حیات سیاسی و ارائه راهکارهای مناسب برای برخورد به موقع و بهینه با آنها می‌باشد.

مفاهیم مرتبط

قبل از تعریف حفره‌های دولت، لازم است برخی مفاهیم و واژه‌های مرتبط یا همسان با این مفهوم جهت معرفی بهتر حفره‌های دولت موردتوجه قرار گیرند؛ عمده‌ترین این مفاهیم عبارتند از:

۱- **قلمرو موثر ملی**^۱: این اصطلاح که اولین بار توسط پرستن جیمز بکار برده شد، به منطقه‌ای که بطور موثر تحت کنترل دولت است گفته می‌شود، که ممکن است شامل تمام قلمرو حقوقی آن نباشد؛ و عمدتاً به آن بخش از قلمرو که تحت حمایت اقتصادی دولت بوده اطلاق می‌گردد (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۷) همانطور که ملاحظه می‌شود در اینجا فقط به یک بعد از تعاملات بین دولت، ملت و سرزمین پرداخته شده و ابعاد دیگر موردبسی توجهی قرار گرفته است.

۲- **منطقه کارآمد کشور**^۲: این اصطلاح نیز در مطالعات زیدی در پاکستان استفاده شد و به بخشی از کل قلمرو کشور که تراکم جمعیتی آن حداقل ۳۵ نفر در مایل مربع بوده و در ۱۰ مایلی یک ایستگاه راه‌آهن یا یک جاده قابل عبور برای وسایل موتوری قرار داشته باشد گفته می‌شود، نقطه مقابل آن قلمرو حاشیه‌ای^۳ دولت است (قبلی: ۱۹۸). علی‌رغم اینکه زیدی بعدها به این حقیقت اعتراف می‌کند که صرف وجود شرایط گفته شده تعیین‌کننده منطقه کارآمد کشور نمی‌تواند باشد، اما کاربرد این اصطلاح با چنین برداشتی محدود کردن ارتباط دولت، ملت و سرزمین در یک بعد (ارتباطی) و غفلت از سایر موارد است.

۳- **منطقه هسته**^۴: این اصطلاح نیز اولین بار در نوشته‌های درونت ویتلسی آورده شد، و شامل بخشی از کشور است که بیشترین تمرکز جمعیت و متراکم‌ترین شبکه ارتباطی را داشته باشد، که در آن موفقیت دولت و ایجاد چشم‌اندازهایی که سیطره دولت به چشم می‌خورد، دیده می‌شود، مانند ادارات پست، و تأسیسات دولتی دیگر (مویر ۱۳۷۹: ۸-۱۹۷). در اینجا نیز به تراکم جمعیت و شبکه ارتباطی

1 - Effective National Territory

2 -Effective state Area

3 -Extra Ecumical

4 -core area

و به دنبال آن ظهور جلوه‌های ظاهری حکومت پرداخته شده است، در حالی که روابط بسیار پیچیده‌تر از این می‌باشد.

۴- بحران نفوذ^۱: ظرفیت رسوخ حکومت در اعماق جامعه و توانایی نخبگان سیاسی در مقابله با چالش‌ها و نیز پذیرش تصمیمات حکومت از طرف مردم، معنای بحران نفوذ را مشخص می‌کند (Black, 1966: 136; سیف‌زاده ۱۳۷۳: ۱۷۱). این مفهوم علی‌رغم اینکه به حفره‌های دولت بسیار نزدیک است، اما چون فقط به بعد سیاسی پرداخته، به طور کامل بیان‌کننده مفهوم حفره‌ها نمی‌تواند باشد.

تعریف حفره‌های دولت^۲

در تعریف حفره دولت می‌توان گفت: هر پدیده‌ای که موجودیت و ابعاد حاکمیت دولت را در فضای جغرافیایی به چالش بکشد حفره دولت نامیده می‌شود. در این تعریف ابعاد حاکمیت و امنیت لازم برای آن که توسط حفره‌های دولت به چالش کشیده می‌شوند مورد توجه قرار گرفته است.

عواملی که حاکمیت را به چالش کشیده و امنیت را مخدوش می‌نمایند عبارتند از: ۱- بازیگران مادون‌دولتی (درون‌کشوری) که به سه شکل ظهور می‌یابند: الف- جنبش‌های تجزیه‌طلب ب- جنبش‌های غیرتجزیه‌طلب ج- امور جنایاتی ۲- بازیگران فرا دولتی (بین‌المللی) مانند گروه‌هایی که نوع فعالیتشان منحصر به مرزهای سیاسی یک کشور نمی‌شود (افتخاری ۱۳۸۱: ۲-۱۱۱) اما بر قلمرو دولت‌ها تأثیر می‌گذارند ۳- نیروهای مرکز‌گریز و مرکز‌گرا ۴- وجود سازمان‌های تبهکاری و انجام جنایات سازمان‌یافته در ابعاد مختلف ۵- وجود جریان‌های کورتروریستی

1 - Penetration Crises

2 - Holes in the state

۶- وجود آشوب‌ها، انواع نزاع، توطئه و جنگ درون‌شهری ۷- فعالیت‌هایی که ثبات و آرامش و مشروعیت حکومت ملی را مخدوش می‌نماید. ۸- عدم اصلاح یا ایجاد سازمان‌هایی که باید جوابگوی نیازهای مردمی باشند ۹- فساد اداری و تشدید رفتار غارت پایه و تبدیل کل کشور به حفره سیاه قدرت (مویر ۱۳۷۹: ۳۵۹) ۱۰- بی‌ثباتی یا بی‌برنامه‌بودن دولت در جنبه‌های مختلف ۱۱- ضعف ساختاری نهادهای دولتی (Easterly, 2001) ۱۲- وجود شکاف و اختلاف بین لایه‌های مختلف حکومت و دولت ۱۳- کاهش توانایی نخبگان سیاسی در کنترل و اداره بحران‌ها (تد رابرت گر ۱۳۷۹: ۸۰) ۱۴- وجود تورم‌های حاد و پیچیده و عدم-اعتماد به سیاست‌های دولت برای سرمایه‌گذاری (رضائی ۱۳۷۵: ۴۵) ۱۵- وجود شکاف‌های طبقاتی ۱۶- وجود مسئله محرومیت نسبی که خصوصاً در بروز حرکت‌های سیاسی (انقلابی) موثر است ۱۷- افول اعتماد عمومی بدلیل انجام سیاست‌های غلط ۱۸- عدم نقشه‌یابی و توصیف مناسب فضاهای داخل کشور (David Ludden, 2001) ۱۹- و بالاخره، همه عواملی که هویت یکپارچه و وحدت سرزمینی و احساس تعلق به ارزش‌ها و هنجارها را از بین ببرد. ۲۰- و نهایتاً توجه به این مسئله که: شهروندان به طور انفرادی قدرت کمی در اختیار دارند، اما در جمع و هنگامی که به صورت گروه‌های فشار، سازمان یافته شوند ممکن است نفوذ قابل ملاحظه‌ای را اعمال کنند (مویر ۱۳۷۹: ۲۴۰).

در مجموع، عدم تطابق قلمرو حقوقی با قلمرو واقعی که بدلیل فقدان قدرت موثر و عدم نظارت دولت، ضعف اقتدار قانونی، وجود بحران‌های متعدد، نابرابری‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، تفاوت‌های مکانی، عدم شکل‌گیری تقسیمات کشوری بر اساس مصالح ملی و حفظ حاکمیت یکسان (برابر)، تقویت منطقه‌گرایی در مقابل ملی‌گرایی، عدم توسعه تنش‌ها در سطح ملی و منحصرشدن در مکان‌های

خاص یا افراد و گروه‌های ویژه به صورت تبهکاری سازمان‌یافته و بدون تعصب به هویت ملی یا مکانی، و هر آنچه که به صورت سازمان‌یافته یا در سطح وسیعی حاکمیت و امنیت دولت‌ها را به چالش بکشد، از عوامل شکل‌گیری حفره‌ها هستند.

در تعریف حفره، زمان، مکان، نگرش و بینش، نقش اساسی دارند. توضیح اینکه برخی پدیده‌ها در زمان خاصی به عنوان حفره عمل می‌کنند و دولت‌ها برای مقابله با آنها متحمل هزینه‌هایی می‌شوند، در حالی که همان پدیده‌ها در زمانی دیگر با توجه به تغییر شرایط یا ایجاد موقعیت جدید، دیگر به عنوان حفره قلمداد نمی‌شوند (مانند مسئله حجاب برخورد با آن در گذشته و حال). به علاوه از بعد مکانی در فضاهای جغرافیایی متفاوت برداشت‌هایی متفاوت از حفره‌ها وجود دارد، به این معنی که پدیده‌ای که در یک مکان بعنوان حفره و عامل چالش‌برانگیز معرفی می‌شود، در مکانی دیگر ممکن است این دیدگاه نسبت به آن وجود نداشته باشد (مانند کشت و تجارت مواد مخدر در ایران و افغانستان و برداشت‌های مختلف و برخوردهای متفاوت دو کشور از این پدیده) اما مهم‌ترین موضوع، طرز نگرش و بینش نخبگان^۱ و عوام^۲ در برداشت، تبیین و تعریف حفره‌ها است و اینکه آنها چه چیزی را به عنوان عامل مخل نظم عمومی، اقتدار حاکمیت و برهم‌زننده امنیت اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بدانند و چه چیزی را این‌گونه حساب نکرده و از کنار آن بگذرند.

موضوع دیگر اینکه تفکیک‌قایل‌شدن بین بخش‌های مختلف (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) بدلیل پیوندها و پیوستگی‌های پیچیده‌ای که در بین

1 - Elites

2 - Mass

آنها وجود دارد- بدلیل اینکه این‌ها پدیده‌هایی انسانی هستند و انسان موجودی پیچیده است- بسیار مشکل می‌باشد.
حفره‌های دولت را از ابعاد مختلف می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

۱- انواع حفره‌ها از نظر ماهیت و جنس:

الف- اجتماعی، فرهنگی

ب- اقتصادی

ج- سیاسی

۲- انواع حفره‌ها از نظر قلمرو جغرافیایی (مکانی):

الف- ملی

ب- فراملی: ۱-ب- منطقه ای

۲-ب - بین المللی

۳- انواع حفره‌ها از نظر قلمرو زمانی:

الف- کم‌دوام (موقت)

ب- با دوام (دائمی)

۴- انواع حفره‌ها از نظر عملکردی:

الف- افقی

ب- عمودی

هریک از انواع حفره‌ها در ابعاد مختلف را، می‌توان به طور خلاصه این چنین معرفی نمود:

۱- انواع حفره‌ها از نظر ماهیت و جنس:

الف- حفره‌های اجتماعی- فرهنگی، آن دسته از تهدیداتی هستند که به صورت سازمان‌یافته یا در سطحی وسیع و گسترده جنبه‌های اجتماعی- فرهنگی جامعه را به چالش می‌کشند. این‌گونه حفره‌ها علی‌رغم عدم یکسانی خود، در بین تمامی دولت‌ها، قابل‌مشاهده بود و کمتر دولتی از وجود آنها مصون می‌باشد. حفره‌های اجتماعی- فرهنگی در ابعاد مختلفی نمود پیدا می‌کنند، مانند انواع جرائم اجتماعی و اخلاقی (از اختلال در نظم عمومی و عدم‌رعایت قوانین ترافیکی گرفته تا تولید و پخش فیلم‌ها و کتب مبتذل). در حوزه اجتماعی- فرهنگی عدم‌وجود شرایط مطلوب برای هر یک از موارد زیر می‌تواند ایجاد شرایط حفره‌ای برای دولت‌ها بنماید، مانند حوزه رفاه و بهزیستی، فقدان جرم و جنایت، اعتماد و سرمایه اجتماعی، حفظ هویت و شخصیت فردی و اجتماعی (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۴) به طور کلی بحران‌های معضلات اجتماعی- فرهنگی از قبیل مهاجرت، طلاق، حاشیه‌نشینی آنچنان پیوند و همبستگی میان فرد و جامعه را از هم می‌گسلند که افراد در فضایی از بی‌یاوری، بی‌هنجاری و عدم‌کنترل و نظارت رها شده و به موجودی منفعل تبدیل شده و در روندهای اجتماعی به خصوص در حوزه فرهنگ‌های کجرو مستحیل می‌گردند.

به علاوه جوامع بشری به واسطه غنای فرهنگی خود سیر تمدن‌سازی و الگودهی به افکار و رفتار افراد را پشت‌سرگذاشته‌اند در جریان ثبات فرهنگی باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فکری و عملی مبتنی بر اصول و مبادی

بازتولید و در تنظیم روابط اجتماعی افراد عمل می‌نمایند. ولی در شرایطی که بحران‌های فرهنگی پدیدار گردند با بروز بحران هویت در سطح جامعه، افراد در ارجاع به باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارها با گسست و تضاد و سرگردانی مواجه می‌گردند در این مرحله جامعه با پدیده مسخ فرهنگی مواجه می‌شود که بستر مناسبی برای آسیب‌ها و جرائم و انحرافات پدید می‌آید (ناجا ۱۳۸۵: ۲۰).

ب- حفره‌های اقتصادی که وجود آنها فقر عمومی ملت را در پی دارد. علی‌رغم اینکه مانند سایر انواع حفره‌ها دولت را مستقیماً تهدید نمی‌کنند، اما می‌توانند اقتدار حاکمیت را در درازمدت به چالش کشیده و فضای حاکمیت را کوچک و محدود کنند. نمونه‌های این حفره‌ها را در ارتشاء، اختلاس و قاچاق و امثالهم می‌توان دید حفره‌های اقتصادی نقش بسیار زیادی در ناپایداری و بی‌ثباتی بنیان‌های جامعه دارند. نوسانات اقتصادی در سطوح گسترده از ویژگی‌های جوامع در حال پیشرفت می‌باشد که این نوسانات می‌توانند زندگی مردم را شدیداً تحت تأثیر قرار دهند. نداشتن استراتژی معین در اقتصاد کلان، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و بدون مطالعه و کارشناسی فضایی از بی‌ثباتی اقتصادی ایجاد می‌نماید که آثار و تبعات آن آسیب‌هایی از قبیل فقر، تورم، بیکاری و... است و این آسیب‌ها خودزمینه‌ساز جرائم و انحرافات می‌گردند (ناجا، ۱۳۸۵: ۲۰).

ج- حفره‌های سیاسی از حساس‌ترین انواع حفره‌ها به حساب آمده که از قالب‌های سازمان‌یافته تاهسته‌های براندازی را شامل می‌شود که به صورت سیستمی ریشه‌های موجودیت و امنیت دولت را مورد هجوم قرار داده و اصل حاکمیت را به چالش می‌کشند یکی از مسائلی که در شکل‌گیری حفره‌های سیاسی می‌تواند موثر باشد، مسائل مدیریتی است که در سطح کلان خود از ابعاد پیچیده‌ای برخوردار است ولی آنچه در فرایند تحلیلی جرائم و انحرافات قابل ذکر است این

است که نظام اداری کشورهای مختلف (چه سرمایه‌داری چه غیرسرمایه‌داری) با معضلاتی از قبیل بوروکراسی اداری، مقررات دست و پاگیر، فرآیند طولانی و پیچیده تصدی‌گری روزافزون دولت، افزایش سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با امور مردم و... ناکارآمدی نظام اداری را بوجود آورده است و ناکارآمدی نظام اداری کشور مستقیماً سطح مقبولیت و مشروعیت نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنجایی که این حوزه با نیازمندی‌های عمومی در ارتباط است لذا هرگونه ضعف و ناکارآمدی در این حوزه می‌تواند بستر ساز جرائم و انحرافات باشد (ناجا ۱۳۸۵: ۲۱).

هرگاه اپوزیسیون (مخالفین) به صورت سازمان‌یافته اقدام به انجام رخدادهای بی‌ثبات‌کننده نمایند، امنیت و حاکمیت دولت به چالش کشیده می‌شود؛ مهم‌ترین این رفتارها عبارتند از: ۱- رفتار انقلابی (آشکار و برنامه‌ریزی شده) ۲- رفتار اغتشاشی (آشکار و برنامه‌ریزی نشده) ۳- رفتار براندازنده (پنهان و برنامه‌ریزی شده، مثل کودتا). همچنین طیف وسیعی از منازعات دسته‌جمعی داخلی که نظم سیاسی و آرامش عمومی را به مخاطره می‌افکنند، در این مقوله قرار دارد (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۵).

۲- انواع حفره‌ها از نظر قلمرو جغرافیایی که در دو دسته ملی و فراملی

جای می‌گیرند:

الف- حفره‌های ملی: منظور آن دسته از حفره‌هایی هستند که در سطح ملی در ابعاد مختلف حاکمیت دولت‌ها را به چالش می‌کشند مانند تمامی تلاش‌ها یا تهدیداتی که در چارچوب مرزهای شناخته شده بین‌المللی رخ داده و دولت‌ها را وادار به عکس‌العمل می‌نمایند. مهم‌ترین عواملی که منافع و امنیت ملی و حاکمیت سرزمینی را در قلمرو ملی به چالش می‌کشند، عبارتند از: نارضایتی عمومی و

آشوب‌های اجتماعی؛ گروه‌های سیاسی معاند و محارب؛ جنبش‌های استقلال طلبانه قومی، مذهبی، نژادی؛ عدم انسجام و وحدت رهبری سیاسی و ضعف مدیریت و ناتوانی نظام اداری کشور؛ عدم اعتماد مردم به هیأت حاکمه، فقدان ثبات سیاسی و اجتماعی؛ وجود بحران‌ها در ابعاد مختلف آن؛ نفوذ قدرتمندان اقتصادی بر مصادر سیاسی؛ نبودن آزادی و عدالت اجتماعی و توزیع ناعادلانه امکانات و فقر اقتصادی؛ ضعف فرهنگی در چالش با سایر فرهنگ‌ها؛ تهاجم یا رسوخ فرهنگ بیگانه، رشد بی‌رویه جمعیت؛ مهاجرت‌های اجتماعی؛ اشاعه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر؛ فقدان تأمین اجتماعی و بیکاری و فرار مغزها؛ وابستگی فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیک و نظامی؛ اشاعه شایعات، فساد، رشوه و رابطه‌بازی، اشرار و شرارت‌های محلی.

ب- حفره‌های منطقه‌ای: آن دسته از فعالیت‌هایی که در سطح منطقه و در ارتباط با همسایگان اتفاق افتاده و باعث ایجاد وضعیت بحرانی و چالش‌های امنیتی می‌گردند، که عمده‌ترین آنها عبارتند از: تضادهای ایدئولوژیک (مانند اسلام با صهیونیسم)، برخورد و تضاد منافع، اختلاف بر سر تقسیم آب یا آلودگی آب‌های مشترک، برتری قدرت نظامی و یا قدرت اقتصادی و تکنولوژیکی کشور هدف، سیل مهاجرت‌های جمعی غیرقابل کنترل، بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، قاچاقچیان و گروه‌های تروریستی بین‌المللی و...

ج- حفره‌های بین‌المللی: حفره‌هایی که میدان عمل آنها فراتر از مرزهای یک کشور خاص یا منطقه ویژه‌ای بوده و اصطلاحاً مرز نمی‌شناسند. این گونه حفره‌ها را از دو دیدگاه می‌توان مورد توجه قرار داد؛ اولاً حفره‌هایی که دارای تشکیلاتی منسجم و سازماندهی شده هستند و توسط باندهای مافیایی کنترل و اداره می‌شوند، مانند باندهای قاچاق مواد مخدر یا گروه‌های تروریستی، ثانیاً حفره‌هایی که تشکیلات منسجم نداشته اما به دلیل گستردگی و حضور در مناطق مختلف می‌توان به آنها

جنبه بین‌المللی داد (به این معنی که شکل خاصی از رفتارها یا پدیده‌ها در مناطق مختلف قابل مشاهده هستند اما بدون انسجام و پیوستگی بین آنها). مهم‌ترین حفره‌های بین‌المللی عبارتند از: مراکز توزیع مواد مخدر، انتشار بیماری ایدز، مسائل و مشکلات زیست‌محیطی (مانند پاره‌شدن لایه ازن، گرم‌شدن کره زمین، باران‌های اسیدی، انهدام جنگل‌ها و...)

۳- انواع حفره‌ها از بعد قلمرو زمانی:

الف- حفره‌های کم‌دوام (موقت): منظور از حفره‌های کوتاه‌مدت دولت، آن دسته از حفره‌هایی هستند که برای ارضاء و برآوردن خواست‌ها و تمنیات آنی و زودگذر انجام می‌گیرد و با برطرف شدن آن نیازها، بالطبع شرایط بحرانی هم برطرف گشته و شرایط عادی بوجود خواهد آمد. (مانند اعتصابات گارگری یا کارمندان دولت برای افزایش حقوق بخصوص زمانی که از طرف اتحادیه‌های صنفی هدایت می‌شوند)

ب- حفره‌های بادوام (دائمی): در این حالت، موضوع کاملاً متفاوت است، چرا که خواست‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند مانند یک بیماری مزمن که ریشه در گذشته و یا عوامل مختلف دارد و شرایط غیرعادی یا نامطلوب طولانی مدت را نشان می‌دهد، با برطرف شدن و ارضای هر کدام از خواسته‌های کوتاه‌مدت متوقف نشده بلکه یک گام به جلوتر برخواهد داشت و نهایتاً هدف براندازی دولت و نظام سیاسی و پیاده‌نمودن سیستمی جدید برای اهداف موردنظر می‌باشد. (مانند زمانی که گروه‌های اپوزیسیون بنا به دلایلی شکل گرفته و هدف نهایی خود را براندازی دولت اعلام می‌دارند)

۴- انواع حفره‌ها از بعد عملکردی:

الف- حفره‌های افقی: بعد افقی همان بعد جغرافیایی است، یعنی پراکندگی حفره‌ها در سطح کشور و چگونگی روابط بین ملت، حکومت (دولت) و سرزمین، که در تقسیم‌بندی‌های قبلی به آن اشاره شد.

ب- حفره‌های عمودی: که به مسائل و مشکلات در بین لایه‌های مختلف حکومت (دولت) توجه نموده و به دلیل انتزاعی بودن، عمدتاً در حوزه مطالعات علوم سیاسی قرار می‌گیرد. بررسی این مورد در بسیاری از کشورها (حتی کشورهای به اصطلاح دموکراتیک) تا حدود زیادی مشکل یا حتی غیرممکن به نظر می‌رسد. عمده‌ترین دلایل این امر: ۱- ملاحظات امنیتی ۲- عدم دسترسی به اطلاعات (بخصوص اطلاعات محرمانه) ۳- عدم امکان تبدیل روابط و برخی مفاهیم و تعاریف به دلیل انتزاعی بودن به آمار، نمودار و نقشه ۴- وبالاخره اینکه در بسیاری از موارد، این‌گونه روابط، جزء خطوط قرمز به حساب آمده و ورود به حریم آنها، امکان‌پذیر نمی‌باشد به عنوان مثال می‌توان از اختلافات بین نهادهای حکومتی یا اختلافات بین بخش‌های مختلف دولت نام برد که هیچگاه جنبه آشکار به خود نمی‌گیرد اما اثرات آنها در عمل دیده می‌شود.

در مجموع درجایی که حفره‌های دولت توسط اجزای تشکیل‌دهنده آن ایجاد شوند، قدرت دولت مرکزی به شدت کاهش می‌یابد و قدرت‌های کوچک به جای قوانین عمومی تصمیم‌گیری نموده، قانون‌گریزی، برداشت‌های سلیقه‌ای و در نهایت کاهش وفاداری مردم به نظام را دربرخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن معرفی مفاهیمی چون قلمرو موثر ملی، منطقه کارآمد کشور، منطقه هسته و بحران نفوذ به این نتیجه رسیدیم که علی‌رغم اینکه این‌ها در روشن‌ساختن مفهوم حفره‌های دولت می‌توانند راهنمای خوبی باشند لیکن هیچ‌کدام مفهوم واقعی حفره‌های دولت را نمایان نمی‌سازند.

حفره‌های دولت پدیده‌هایی هستند که در ابعاد مختلف اعمال نظارت بر فضا، حاکمیت مطلق و قدرت مشروع حکومت‌ها را در قلمرو مخصوص خودشان به چالش می‌کشند. عوامل به چالش‌کشاننده حاکمیت و امنیت ملی شامل حرکت‌های سازمان‌یافته محدود تا جنبش‌های براندازنده در سطح محلی، ملی و بین‌المللی می‌گردد؛ گسترش تبه‌کاری‌های سازمان‌یافته که موجودیت سیاسی دولت‌ها را تهدید می‌نماید، بخصوص هنگامی که توانایی نخبگان در کنترل جریان امور در حد کفایت نباشد نیز از مصادیق حفره‌های دولت است.

توجه به این نکته هم لازم و ضروری است که در تعریف و توصیف حفره‌ها توجه به زمان، مکان و نحوه نگرش نخبگان و مردم حائز اهمیت فراوان می‌باشد، لذا حفره‌ها از مناظر مختلف به دسته‌های متفاوت تقسیم گردیده‌اند؛ از نظر ماهیت و جنس، از نظر قلمرو، از نظر زمان و از نظر عملکرد که شناسایی هر کدام در نحوه کنترل یا برخورد با آنها می‌تواند سبب تداوم حاکمیت و استقرار امنیت مطلوب و در مجموع ضامن بقای حیات سیاسی دولت‌ها گردد.

منابع

- ۱- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱) سازمان امنیتی فضای جغرافیایی، درآمدی بر جغرافیای امنیتی به مثابه یک گرایش علمی نوین، فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی، شماره اول.
- ۲- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۵) چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۶.
- ۳- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول.
- ۴- رضائی، ناصر (۱۳۷۵) کانون‌های بحران در جغرافیای سیاسی (علل و زمینه‌ها) پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (تحصیلات تکمیلی).
- ۵- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۳) نوسازی و دگرگونی سیاسی، چاپ دوم تهران، نشر سفیر.
- ۶- گر، تدرابرت (۱۳۷۹)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سازمان سمت.
- ۸- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴) سیاست میان ملت‌ها، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۹- مویر، ریچارد (۱۳۷۹) درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه: دره میرحیدر، یحیی رحیم صفری، تهران: سازمان جغرافیایی ارتش.
- ۱۰- میرحیدر، دره (۱۳۸۴)، بررسی مفهوم Territoriality و تحول آن از دیدگاه جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلتیک، سال اول تهران: انجمن ژئوپلتیک.
- ۱۱- معاونت اجتماعی اداره کل ناجا (۱۳۸۵) مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد اول.

12. Barry, Buzan, (1984), Peace, power, and security: Contending Concept in the study of international relations, Journal of Peace Research, 21.

13. Black Cyrile, E. (1966) The Dynamics of Modernization, Newyork: Harper

14. Driver. F (1991) Political geography and State formation disputed territory, progress
15. Easterly, William (2001) can Institutions Resolves ethnic conflict, University of Chicago press
16. Henley, J. (1995) The Gurdian 24 January
17. James A. (1984) Sovereignty: Ground Rule or Gibberish? Review of International studies, vol 10
18. Johnston, R. Gregory, D. smith, D.M (1994) the Dictionary of human georgraphy, 3rd ed. Oxford: black well
19. Walker, R.B.J.(1990) security, Sovereignty and the challenge of world Politics, Alternative (15)
20. www.googleprint.com, David Ludden (2001) Spectres of agrarion territory.